



جمال شورهچ (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

شهرویار بحرانی (فیلمساز)

بروین شیخ طادی (فیلمساز)

نادر میربالقی (فیلمساز)

مرتضی شعبانی (استندساز)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی قلیه (بازیگر)

ابراهیم حاتم‌کیا (فیلمساز)

فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (بویانما)

مجید جمیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

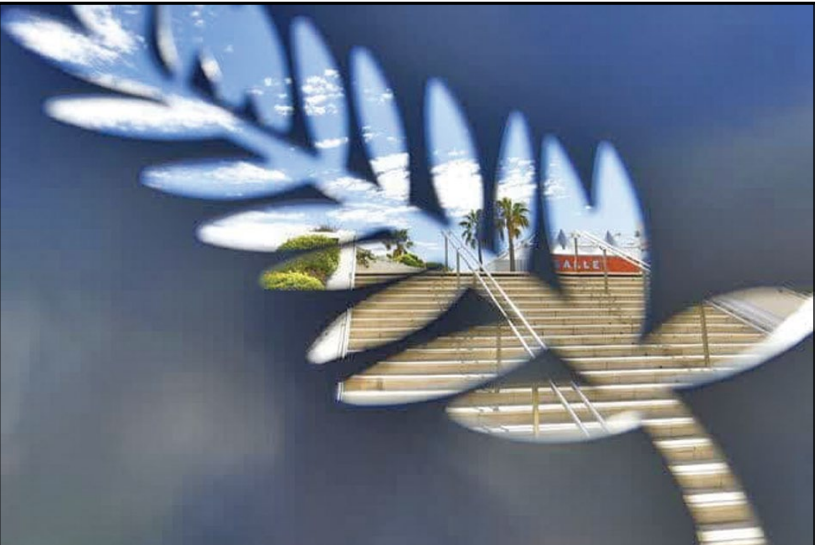
نادر طالبیانزاده (کارگردان)

امسال گویی از همان ابتدا هفتاد و ششمین دوره جشنواره فیلم کن، به آن جشنواره همیشگی نمی‌ماند آن فستیوال هنری سواحل جنوبی فرانسه که همواره در صد کشف استعدادهای هنری نوگرا بود، سینمای به اصطلاح مستقل کشورها و فرهنگ‌های متفاوت را در کادر خود قرار می‌داد و به این کشفیات هم می‌بایلد، انگار پس از سالها بدجوری دچار استیلا شد. کز دیده و به یک سری مراسم پرزرق و برق در رقابت با اسکار و مانند آن تبدیل شده و دیگر خبری از آن کشف‌ها و نوظهورها و آواگذارهای سینمایی نیست. از همان ابتدا که فهرست فیلم‌های بخش مسابقه اعلام شد و انبوهی از آثار سینماگران شناخته شده و معروف که بعضا سالها بود خبری از آنها نمی‌رسید، به چشم آمد، این حکایت در اذهان شکل گرفت که هفتاد و ششمین دوره این جشنواره پس از سالها سرازیری و سقوط از اهداف اولیه و ثانویه، دیگر نشانی از سینمای هنری ندارد. طرفه آنکه فیلم افتتاحیه جشنواره با نام «ژان دوساری» از همان روز نخست، آن گمانه‌زنی را لویی پانزدهم که با سر و صدای فراوان، حکایت از بازگشت «جانی دپ» پس از چند سال غیبت اجباری داشت، ولی آنچنان ملال‌آور و کسالت بار بود که برخی منتقدین به طعنه، آن را به جای فیلم افتتاحیه، فیلم افتضاحیه خواندند!

کن خوب

نگاهی به جشنواره کن هفتاد و ششم

یک کن مرده است



نوار اعتبار «کن» و «دارت ویدر» قبچی کرده؟!
اگرچه این موضوع سقوط جشنواره کن، به یکباره و ناگهانی اتفاق نیفتاده، شاید از همان دوره‌ای که دارت ویدر به همراه سربازان امپراتوری برای قسمت سوم یا در واقع بخش ششم مجموعه فیلم‌های «جنگ‌های ستاره ای» یعنی «انتم سبیت» به روی فرش قرمز رفتند یا وقتی شرکت و فیونا و گربه چکمه پوش و خر حرف‌ انیمیشن پروغای دریم رزکس، پلکان سان دو بوسی کن را طسی کردند یا زمانی که همین روبرو رودریگز

این مسیر لوس کزن فیلم‌های آمریکایی به آن‌جا رسید که چند سال بعد، گروهی از آراذل و اوباش هالیوود مانند سیلوستر استالون و آرنولد شووارتزنگر و بروس ویلیس و هریسون فورد و میکی رورک و… برای تبلیغ فیلم «بی مصرف‌ها» با ناقریر زرهی در کوچه و خیابان‌ها کن رژه رفت و در جشنواره و فیلم‌ها و مخاطبانش را به مضحکه گرفتند.
اگرچه در یک آمار رسمی هم متوجه می‌شویم در طول هفتاد و پنج دوره قبلی جشنواره کن،

امسال هم براساس قوانین من در آوردی که بر خلاف همه قواعد و ویژگی‌ها و حتی عقلانیت سینمایی، چند سالی است بر جشنواره کن حکمفرما شده، ۷ جایزه اصلی در میان ۷ فیلم جشنواره به اصطلاح تخص شد! این همان داوری فله‌ای و کیلویی و یا از گونه بچه‌بازی است که بخواهند به گونه‌ای همه را راضی نگه دارند!



موضوع گاهی وسعت جغرافیایی انتشار یک خبر را هر چند هم که خبر از اهمیت فوق‌العاده جهانی و یا جامعه بشری برخوردار بود، کم می‌کرد و گویی اینکه این ویژگی در انتشار خبر، بخشی از طریقه زیست او نیزمحسوب می‌شد.
موازی با همین شیوه زیست انسان در تبادل اطالعات و اخبار، ساختار وجودی وقایع و حوادث و ابتلائات انسان نیز مطرح بود که در سرعت شکل گیری، وقایع، از سرعت سابق مرخ کردن افراد نیز می‌باشد؛ به این معنی که پس از تسخیر افکار عمومی جامعه هدف، افراد آن جامعه خود نیز باید تبدیل به پتانسیل و ظرفیتی شوند که به‌عنوان سرمایه (نیروی انسانی و فکری) آشکار و یا پنهان جبهه رسانه‌ای مهاجم و جبهه سیاسی طراح جبهه رسانه‌ای؛ فعالیت کنند که نمونه‌ای از این مورد را در اغتشاشات ۱۴۰۱ دیدیم.
یکسی از ویژگی‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی که مطابق با نیاز انسان عصر اطلاعات و ارتباطات به‌وجود آمده «سرعت و وسعت انتشار اطلاعات»ست که گویی ولع و طمع انسان برای دریافت داده و اطلاعات را به نمایش می‌گذارد.
این میزان از ولع و طمع انسان عصر

صفحه ۸

سه‌شنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۲

۱۷ ذی‌القعده ۱۴۴۴ – شماره ۲۳۳۱۶



بازگیران هالیوودی برای «کن» ضدهالیوودی
نخل طلای بهترین فیلم را جین فاندا اعطا نمود و برای اهدای جایزه بزرگ هیئت داوران، کوینتین تارانتینو در حالی که راجر کورمن ۹۷ ساله (از استاید سینمایی هراس و تعلیق و سازنده آثاری همچون «پاندول و سردابه») را همراهی می‌کرد، روی سن رفتند و جایزه را به فیلم هلوکاستی «منطقه مورد علاقه» از جاتان گلنیز دادند. فیلمی درباره رودلف هس (رئیس‌نزدان مخوف آشویتس) که کتل محل کوره‌های آدم سوزی، خانه و زندگیش را بنا می‌کند!

جایزه ویژه داوران را اولانو بلسوم (بازیگر مجموعه فیلم‌های «ارباب حلقه‌ها») به فیلم آکی کوریسماسکی یعنی «برگ‌های افتاده» اهدا کرد که درباره یک آشنایی نامعمول دو نفر انسان تنها بود. جایزه بهترین کارگردانی را پیتز داکتر (از انیمیشن‌سازان برجسته) به فیلم «مصائب دودین فان» داد و جایزه فیلمنامه را بدون هیچ تناسب یا منطقی، جان سسی رایلی (بازیگر دست چنم



نخل طلای ویژه جشنواره کن به هریسون فورد، یک دهن کچی آشکار به این جماعت بود.

شرمندگی‌های تاریخی جشنواره کن

ایسن همان نخل طلایی است که یکی از هنری‌ترین فیلمسازان تاریخ سینما یعنی اینگمار برگمان هم هرگز آن را دریافت نکرد و هنگامی که مدیران جشنواره کن خواستند به مناسبت پنجاهمین سالگرد برگزاری جشنواره، آن شرمندگی تاریخی را به نوعی جبران کرده و جایزه ویژه‌ی تحت عنوان «نخل طلای نخل طلاها» به برگمان بدهند، اونپذیرفت و عطایشان را به لقایشان بخشید و البته آن شرمندگی تاریخی تنها به برگمان محدود نیست و از فیلمسازان برجسته‌ای مانند روبر برسون، ژان رنوار، یاساجیرو ایزو، کارل تودور سارتر، سائیا جیت رای، کنجی میزوگوچی، چارلز چاپلین، رنه کلر، ژان پی بر ملویل، فرانسوا تروفو، ژان کوکتو، آندری تارکوفسکی، کریستف کیس洛夫سکی و… برای دریافت نخل طلای ویژه کن بر هر یکی مانند هریسون فورد و بازی‌هایش در مجموعه «پندیاننا جونز» یا «جنگ‌های ستاره‌ای» و یا «بی‌مصرف‌ها» از جحیت داشت و در واقع اعطای

جایزه بهترین فیلم را ببرد! مگر دارا بودن بهترین فیلمنامه و بهترین کارگردانی! حالا هم چند دوره‌ای انتخاب بهترین فیلم نیست؟! حالا هم چند دوره‌ای است که این نحوه داوری کودکان، برای جشنواره کن به صورت یک قانون درآمده و فیلمی که مثلا جایزه بهترین فیلمنامه یا بهترین کارگردانی را گرفته دیگر نباید انتظار دریافت نخل طلای بهترین فیلم را داشته باشد!

اما نخل طلای کن این بار پس از چند سال فترت به فرانسوی‌ها و فیلم تکراری آنها (کپی از فیلم «شهادی برای محاکمه» ساخته بیلی وایلد در ۱۹۵۷) به نام «آنانومی یک سقوط» از کارگردانی «ژوستین تریه» توسط جین فاندا اهدا شد. یک فیلم دادگاهی که به نظر منتقدین حاضر در جشنواره، «محاکمه نهاد خانواده» بود.
این هم یکی دیگر از عناصر اسسکاری شدن جشنواره کن بود که برخلاف روال عادی این جشنواره که جوایز برنده‌ها، اغلب توسط هیئت داوران اهداء می‌گردید، این بار برای اهدای جوایز اصلی، یک بازیگر یا کارگردان معروف‌هالیوودی به روی صحنه رفت.

سرگردانی اهالی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شده بود که در این اثنا تسویه حساب‌های سیاسی و عقده‌گشایی‌ها و با تقابل سازی اعتقادات و فضا بیشتر از هر چیز دیگر نمایان بود و به چشم می‌آمد.
چه آنکه افرادی، گروههای دیگر جامعه بشری و جامعه پیرامونی محدود خود (در وسعت جغرافیا و فکر و اندیشه) را متمرذ از آستان الهی بداندن و متوسل به ظهور مذهب و عقاید و باورها و دریافت‌های خود را چنان گرایانه و به اصطلاح روشنفکر‌مانانه، معتقد به پیدایش اتفاقی و یا به گونه‌های دیگر زیستگاه انسان و سر تکامل آن باشند.

در هر نوعی از خودبرتربینی بر خود و اعتقادات خود، وجود داشت که اصل «امید به زندگی انسان» را با حجم انتشار وسیع و بر سرعت و مهار ناپذیر مورد هدف قرار داده و بیش از ویروس کرونا زندگی و آینده انسان را با خطر مواجه کرده بودند.

آنچه واضح است زندگی بی‌شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی برای انسان امروز غیر قابل تصور ست؛ اما سؤال اساسی در مقابل این ابتلا انسان به فضای مجازی این است که آیا انسان امروز، همان قدر که ولع و طمع برای دریافت اطلاعات دارد، آ یا به همان میزان نیز قدرت پردازش این اطلاعات را دارد؟ و یا فقط به‌عنوان عنصری منفعل در مقابل این اطلاعات، تنها! یک سویه تبدیل به کانال دریافت اطلاعات و انتشار این اطلاعات شده است و در خلال این دریافت و انتشار، بی‌آنکه خود بداند، هم امید به زندگی خود را کاهش داده و هم فضای یاس و ناامیدی را در جامعه پراکنده است.

به این موضوع حتی اگر از منظر دینی نیز پرداخته شود؛ آثانی که لقاۀ فضای یاس و ناامیدی نسبت به حیات انسان‌ها می‌کنند و دائمآ با سیاه‌بینی همه موارد جاری و روز مره تلاش بر بیان مَثلا کشفیات خود دارند در معرض گناه بزرگی قرار دارند، چرا که خداوند بزرگ‌ترین گناه را ناامیدی از رحمت خود بیان کرده است.

و از منظر عرفا و ادبای نامی و شهیر نیز پیش از این برهه و در برهه‌های تاریک‌تر از این زمان به مولات اجتماعی پرداخته شده است که به‌طور مثال حافظ در مقابل شعر بی‌مورد و بی‌آر بعضی از افراد می‌گوید:
عیب رندان مکن‌ای زاهد پاکیزه سرشت/ که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت‌!این اگر نیکم و گر بد، تو برو خود را باش‌!هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت‌!این شعر مصداقی همان موردی است که هرکس باید هر گونه تحول اجتماعی را باید از خود آغاز کند.

زودتر باید نوع بشر به آغوش خداوند و مسیر تعیین شده او بازگردد و برای این بازگشت چاره‌ای جز توسل به مقدسات و ادعیه و ذکر و بازخوانی موارد و نشانه‌های منجی آخر الزمان یا هر مسلک و هر مذهب وجود ندارد.
هر دو گروه یاد شده در عالم واقع و در معنای وسیع زیست انسانی که همسو با آن در عالم مجازی و شبکه‌های اجتماعی هم زیستی غیر نباتی و پنهانی نیز دارند، عمده تفکرات خود را به باورها و دریافت‌های خود از دل طبیعت بی‌محبا و با سرعت در انتشار می‌دانند که گویی با هر حجم انتشار آنها، قرار بود ویروس



واقعیتی فراتر از تسخیر افکار عمومی در شبکه‌های مجازی

مشهور به کرونا ترک تخصص و تهاجم کرده و به دنیای فانی خویش بازگردد.
در این واقسا، جای تعجب از همه افرادی بود که در درج و نشسر هر گونه خبر و ایده و دریافت شخصی، هنوز در حالی که کرونا‌آسانها را مثل برگ پاییز فرو می‌ریخت؛ تلاش داشتند به اثبات داشته‌های خود بپردازند و عقاید و دریافت‌های شخصی و داده‌های خود را نسبت به دیگران برتر و بهتر و بر مدار حق بازگو کنند.
گویی هنوز در باور این افراد، تخصص و تهاجم جدی ویروس کرونا جایگاه باز نکرده بود و نمی‌دانستند که فارغ از موضوع رعایت بهداشتی فردی و رعایت فواصل اجتماعی، باید امید به بودن و امید به زندگی را نیز در آسانها نگاشت.

انتشار اخبار و داده‌ها و دریافت‌های نامحدود (واقعیت یا شایعه) تبدیل به

سؤال اساسی در مقابل ابتلا انسان به فضای مجازی این است که آیا انسان امروز

همان قدر که ولع و طمع برای دریافت اطلاعات دارد؛ به همان میزان نیز قدرت پردازش این اطلاعات را دارد؟ و یا فقط به‌عنوان عنصری منفعل در مقابل این اطلاعات، تنها! یک سـویه تبدیل به کانال دریافت اطلاعات و انتشار این اطلاعات شده است و در خلال این دریافت و انتشار، بی‌آنکه خود بداند، هم امید خود به زندگی را کاهش داده و هم فضای یأس و ناامیدی را در جامعه پراکنده است.



امسال نیز در میان حیرت حاضرین، با نمایش قسمت پنجم از مجموعه فیلم‌های ایدئولوژیک «پندیاننا جونز» (که تقریبا از سوی اغلب منتقدان ضعیف‌ترین قسمت این سری فیلم‌ها قلمداد گردیده)، جایزه نخل طلای ویژه را به هریسون فورد اعطا نمودند، در حالی که خودش بیش از سایرین در مقابل دوربین حاضرین تعجب کرده و حیرت‌زده شده بود!

هالیوودی) به فیلم ژاپنی «هیولا» از هیروکازو کورئیدایفیلمساز قبلا نخل طلا گرفته (برای فیلم «دله دزدان فروشگاهی» اعطا نمودا فیلمی که در یک فضای سادستی، یک پسر بچه را تا مرز هیولا بودن پیش می‌برد!

برای جوایز بهترین بازیگر مرد و زن هم به تقلید از مراسم اسکار، برندگان سال گذشته روی صحنه رفتند؛ تا به بازیگران فیلم «برابر علف‌های خشک» (نوری بلگه جیلان) و «روزهای کامل» (ویم وندرس) جایزه بدهند.

امح در این میان سرر بسیاری از فیلم‌های مطرح بی‌کلاه ماند، مانند فیلم «ستروید سیتی» وس‌اندرسن یا یک دودجین بازیگر مشهور یا «بلوط پیر» کن لوچ یا «فردای روشن» ناتی مورتی یا «برده شده» مارکو بولوگیو و یا «می دسامبر» تاد هینز و…
اما در مقابل ۴ جایزه به نام «نخل سگی» هم به گناهایی که بی‌آنکه بآزی کرده بودند، اهدا کردند که سگ فیلم «آنانومی یک سقوط» جایزه اصلی را گرفت و سگ فیلم« برگ‌های افتاده» کوریسماسکی، جایزه ویژه هیئت داوران را دریافت نمود!